

گزینه‌های انصارالله برای پیروزی در جنگ

حسین آرمند¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره 4، پیاپی 80، زمستان 1398؛ صفحات 50-29

تاریخ پذیرش نهایی: 1398/11/15

تاریخ دریافت: 1398/10/30

چکیده

با گذشت بیش از پنج سال از تجاوز ظالمانه ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی به کشور یمن و در صدر آنها نیروهای جنبش انصارالله، شاهد وضعیتی بغرنج در این کشور هستیم و به نوعی جنگ در این کشور به کلافی سردرگم تبدیل شده که هیچ بازیگری توان پایان دادن به آن را ندارد. در چنین شرایطی پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که انصارالله برای پیروزی در جنگ یمن چه امکانات و ابزارهایی در اختیار دارد یا می‌تواند از چه امکانات و ابزارهایی بهره‌گیرد؟ در پاسخ به این پرسش چند گزینه به‌عنوان گزینه‌های در دسترس برای انصارالله می‌تواند مطرح باشد. در حالت حداقلی، گزینه انصارالله برای پیروزی یا به عبارت بهتر عدم شکست در معادلات میدانی، تداوم رویکرد تهاجمی آن در برابر ریاض است. همچنین در سطحی دیگر مقابله با تبلیغات رسانه‌ای فراگیر عربستان سعودی و ایجاد نوعی شبکه سراسری برای جنگ سایبری با آنها ضروری به نظر می‌رسد. در سطح پایانی نیز انصارالله یمن می‌تواند توجه به دیپلماسی عمومی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستورکار خود قرار دهد.

واژگان کلیدی

یمن، عربستان، انصارالله، جنگ یمن، دیپلماسی عمومی.

1. کارشناس ارشد علوم سیاسی؛ پژوهشگر مسائل غرب آسیا



مقدمه

تحولات انقلابی موسوم به بیداری اسلامی در کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا که در سال ۱۳۸۹ شکل گرفت، با نزدیک شدن به یک دهه از وقوع آن همچنان بر پیکره سیاست، حکمرانی و مردمان منطقه سنگینی می‌کند. در این میان، به جرأت می‌توان کشور یمن را مهم‌ترین کشوری دانست که بیشترین سطح بحران و آسیب را به خود دیده است. در سال ۱۳۸۹ در نتیجه نارضایتی شهروندان از دیکتاتوری «علی عبدالله صالح» جرقه انقلابی بزرگ شعله‌ور شد که هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

در میانه تحولات کشور یمن، بدون تردید مهم‌ترین مسأله‌ای که می‌توان مورد ارزیابی قرار داد، قدرت‌گیری و ورود شیعیان الحوثی با عنوان نیروهای جنبش انصارالله به عرصه معادلات سیاسی است. در واقع، در ابتدا توان انصارالله محدود و ضعیف ارزیابی می‌شد، اما تنها با گذشت سه سال (در سال ۱۳۹۳) موفق شد خود را در مقام بازیگری تأثیرگذار و بی‌بدیل مطرح کند. قدرت‌گیری انصارالله به‌گونه‌ای بود که عربستان سعودی را وادار کرد ائتلافی از کشورهای عربی را برای جنگ علیه این جنبش، وارد کارزار یمن سازد.

عربستان سعودی از ۶ فروردین ۱۳۹۴ تا کنون در سه سطح تهاجم نظامی، محاصره اقتصادی و نفوذ اطلاعاتی و امنیتی، جنگی فراگیر و همه‌جانبه را علیه ملت یمن و انصارالله آغاز کرده، اما در همه این حوزه‌ها نوعی انسداد و شکست برای آنها رقم خورده است. در واقع، نه تنها تصور عربستان سعودی برای پایان دادن زود هنگام به جنگ از طریق شکست انصارالله محقق نشده، بلکه نوعی روند وارونه در معادلات نظامی رخ داده است؛ بدین معنا که انصارالله یمن از وضعیتی تدافعی به وضعیتی تهاجمی تغییر رویه داده و موفقیت‌های میدانی بزرگی را نیز کسب کرده است.

با توجه به این، روند همچنان در وضعیت کنونی نمی‌توان از پایان جنگ سخن به میان آورد، بلکه تداوم جنگ و تبدیل شدن معادلات میدانی به باتلاقی بزرگ رخ داده که در صورت سهل‌انگاری می‌تواند به ضرر یکی از طرفین و در راستای منافع طرف دیگر تمام شود. اکنون پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که انصارالله برای پیروزی در جنگ یمن چه امکانات و ابزارهایی در اختیار دارد یا می‌تواند از چه امکانات و ابزارهایی بهره‌گیرد؟ در راستای پاسخ به این پرسش، در ابتدا سیر تحولات میدانی بحران یمن از سال ۱۳۸۹ تا

۱۳۹۹ بررسی شده و در مقاطع مختلف بازیگردانی انصارالله مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت راهبردهای پیشنهادی برای پیروزی انصارالله یمن در جنگ با ائتلاف متجاوز عربستان سعودی ارائه شده است.

1. بحران یمن در سال‌های 1389 تا 1399 و نقش آفرینی انصارالله

ریشه‌های بحران یمن هرچند به سال‌های قبل از ۱۳۸۹ برمی‌گردد، اما روند آغاز اعتراضات در امتداد موج بیداری‌های اسلامی در منطقه غرب آسیا، نقطه اصلی شروع بحران در این کشور بود. با اوج‌گیری بحران در کشور یمن، جریان حوثی در قامت بازیگرانی دارای راهبرد و نقش قابل تأمل ظاهر شده و به‌نوعی به یکی از بازیگران اصلی یا یکی از دو کارگزار اصلی بحران تبدیل شدند. با این تفسیر در مبحث حاضر در دو مقطع قبل و بعد از ورود نظامی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی، بحران یمن و نوع ایفای نقش انصارالله مورد بررسی قرار گرفته است.

1-2. انصارالله در میانه تحولات سال‌های 1389 تا 1394: حرکت به سوی تثبیت جایگاه و قدرت

صحنه سیاسی یمن قبل از آغاز روند انقلاب در اسفند ۱۳۸۹ شاهد کشمکش و درگیری بین حکومت علی عبدالله صالح و احزاب اپوزیسیون بوده که در قالب ائتلاف احزاب دیدار مشترک معارض (لقاء مشترک) گردهم آمدند. علت درگیری‌ها این بود که نمایندگان منتسب به رئیس‌جمهور طرحی را مبنی بر امکان ایجاد کاندیداتوری مجدد «علی عبدالله صالح» در انتخابات ریاست‌جمهوری - که قرار بود در سال ۱۳۹۱ برگزار شود - در پارلمان پیشنهاد داده بودند.^۱

علی عبدالله صالح بر اساس قانون اساسی مصوب بعد از وحدت دو یمن در سال ۱۳۶۸ مجبور بود بعد از دو دوره ریاست‌جمهوری از قدرت کناره‌گیری کند، اما با تعدیل بندهایی از قانون اساسی در سال ۱۳۷۸، وی موفق شد امکان کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری را برای دو دوره دیگر به دست آورد.^۲ با نزدیک شدن به موعد پایان این دو

۱. حسن احمدیان، خیزش مردم یمن و گذر از رژیم اقتدارگرا، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۵، ۱۳۹۰، ص ۴۸

2. Noah Browning, Sami Aboudi, Former president Saleh dead after switching sides in Yemen's civil war, 4 December 2017, Available at: <https://uk.reuters.com/article/uk-yemen-security/former-president-saleh-dead-after-switching-sides-in-yemens-civil-war idUKKBN1DY135>

دوره، علی عبدالله صالح چهره واقعی خود را نمایان کرده و نشان داد که به هیچ وجه قصد کناره‌گیری ندارد. به همین منظور نمایندگان حزب کنگره مردمی (حزب حاکم یمن - الحرب المؤتمر الشعبی العام) در جلسه دی ماه ۱۳۸۹ در پارلمان در پوشش ایجاد اصلاحات قانون اساسی، ابقای علی عبدالله صالح به صورت مادام‌العمر در مقام ریاست جمهوری را تصویب کردند.^۱

با گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه، جوانان یمنی نیز برای سرنگونی حکومت یمن قیام کردند. پس از آغاز اعتراضات و فراگیر شدن انقلاب در اسفند ۱۳۸۹، علی عبدالله صالح از تلاش برای تغییر قانون اساسی منصرف شده و تصمیم گرفت تا مذاکرات سیاسی خود را با احزاب مخالف از سر گرفته و موضوع موروثی شدن حکومت را منتفی اعلام کند. در پی عقب‌نشینی علی عبدالله صالح از مواضع خود و دعوت از نیروهای معارض برای گفت‌وگو و انجام اصلاحات در کشور در نشست مشترک دو مجلس شورا و نمایندگان، تعدادی از احزاب و سازمان‌های مدنی، رضایت و خشنودی خود را از این اقدام اعلام کرده و آن را گامی تاریخی و مثبت در جهت ایجاد اصلاحات در یمن دانسته و از همه طرف‌ها خواستند تا به دعوت علی عبدالله صالح پاسخ مثبت داده و امنیت، ثبات و وحدت کشور را متزلزل نکنند.^۲

در این برهه، احزاب دیدار مشترک معارض به دو دلیل در کنار انقلابیون قرار گرفتند و سقوط عبدالله صالح را خواستار شدند: نخست به دلیل مشاهده عدم توانایی رژیم در کنترل و مهار بحران و همچنین ایستادگی و مقاومت جوانان و دانشجویان انقلابی بر خواسته‌های خود و نپذیرفتن هیچ‌گونه مذاکره با رژیم و تأکید بر استمرار اعتراضات و تجمعات تا سقوط کامل نظام. این امر باعث شد تا این جریان برای حفظ موقعیت و جایگاه مردمی خود در جامعه، در کنار انقلابیون ایستاده و هم‌صدا با آنها خواستار کناره‌گیری بی‌قید و شرط علی عبدالله صالح از حکومت شوند. دلیل دوم در حمایت احزاب معارض به‌ویژه حزب اصلاح از انقلاب را باید ناشی از توافقنامه سال ۱۳۵۸ دانست که بعد از علی عبدالله صالح، ریاست جمهوری را حق «علی محسن الأحمر» می‌دانست. از این رو، علی محسن الأحمر و

۱. الیمن ثورة الشعب - إمداد، مرکز الجزيرة العربية للدراسات والبحوث

2. Faisal Edroo, Yemen: Who was Ali Abdullah Saleh?, 5 Dec 2017, Available at: <https://www.aljazeera.com/indepth/spotlight/yemen/2011/02/201122812118938648.html>

جناح مخالف عبدالله صالح به دنبال فرصتی برای کسب قدرت بوده و با آغاز انقلاب در یمن فرصت را مناسب دیدند و در مقابل علی عبدالله صالح ایستادند.^۱

در روز جمعه ۲۷ اسفند ۱۳۸۹ ده‌ها هزار نفر از مردم یمن تظاهراتی عظیم بر پا کردند. این تظاهرات بعد از نماز جمعه آغاز شد و مردم یمن با نام‌گذاری این روز به «جمعه کرامت» بزرگ‌ترین راهپیمایی خود را در میدان التغییر شکل دادند. این راهپیمایی به‌عنوان بزرگ‌ترین اعتصاب و تظاهرات فراگیر پایتخت در طول انقلاب ۱۳۸۹ محسوب می‌شود. به دنبال حرکت عظیم انقلابیون بود که تک‌تیراندازان و نیروهای امنیتی وابسته به رژیم به سوی مردم آتش گشوده و انقلابیون را به‌صورت مستقیم هدف گلوله قرار دادند. در جریان تیراندازی به سمت انقلابیون که حدود سه ساعت ادامه داشت ۴۶ نفر از انقلابیون کشته و ۲۰۰ نفر از آنها زخمی شدند. در این حین انقلابیون با نیروهای پلیس مرکزی که در منطقه حضور داشتند درگیر شدند و تعداد کشته‌شدگان این جنایت به ۵۲ نفر رسید.^۲

نخستین پیشنهاد این شورا برای پایان دادن به بحران یمن در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ ارائه شد که به دلیل درخواست از عبدالله صالح برای کناره‌گیری از قدرت و تشکیل دولت توسط مخالفان مورد قبول صالح قرار نگرفت. با رد پیشنهاد اول، پیشنهاد دوم این شورا در ۲۱ فروردین ارائه شد که این بار سخنی از تشکیل دولت توسط مخالفان مطرح نشده و از عبدالله صالح خواسته شد تا به نفع معاون خود «عبدربه منصور هادی» از قدرت کناره‌گیری کند. این طرح نیز از سوی مخالفان مورد پذیرش قرار نگرفت.^۳

با رد طرح دوم، «عبداللطیف الزیانی»، دبیرکل شورای همکاری در ۱ اردیبهشت به‌صورت موقت و طرح سوم را مطرح کرد. این طرح مفصل‌تر از دو طرح پیشین و با محتوی ۱۰ بند از جمله کناره‌گیری صالح به نفع معاونش منصور هادی بعد از گذشت ۳۰ روز از تاریخ امضای طرح و همچنین اعطای مصونیت قضایی به علی عبدالله صالح و اطرافیانش بود.^۴ اما این بار نیز صالح بر ابقای خود در حکومت تا سال ۱۳۹۲ و برگزاری انتخابات

1. Yemen President Ali Abdullah Saleh defiant over exit, bbc, 24 April 2011, Available at: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-13181324>

۲. همان

3. Scott Shane, Ali Abdullah Saleh, Strongman Who Helped Unite Yemen, and Divide It, Dies at 75, The New York Times, 4 Dec 2017, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/12/04/obituaries/ali-saleh-dead.html>

۴. حسن احمدیان، همان، ص ۵۲



ریاست جمهوری جدید تأکید داشت.

سرانجام رفتار متعارض علی عبدالله صالح یعنی ابتدا پذیرش کناره‌گیری از قدرت و سپس پافشاری بر ابقای خود و به تمسخر گرفتن احزاب اپوزیسیون و انقلابیون باعث شد که او در روز جمعه ۱۳/۳/۱۳۹۰ در مسجد النهدین کاخ ریاست جمهوری به همراه جمعی از مسئولان بلندپایه حکومتی که برای برپایی نماز جمعه در مسجد اجتماع کرده بودند، ترور شوند.^۱ صالح که جراحت شدیدی از انفجار مسجد برداشته بود برای معالجه به عربستان عزیمت کرد و در آنجا با اعمال فشار حاکمان سعودی برای پذیرش طرح سوم مواجه شد. در مهر ماه نیز قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل برای تحت فشار قرار دادن عبدالله صالح به پذیرش طرح شورای همکاری در کناره‌گیری از قدرت تصویب شد. این فشارها باعث شد که صالح در عربستان اعلام کند که طرح ابتکاری را پذیرفته است.

1-2. تشکیل دولت موقت و وارد شدن انصارالله به میدان

بر اساس توافقنامه میان مخالفان و عبدالله صالح، فرآیند انتقال قدرت دو مرحله‌ای شده بود. در مرحله نخست، قدرت از عبدالله صالح به «منصور هادی»، معاون وی، انتقال یافته و وی با کابینه‌ای که با سهم مساوی از اعضای حزب حاکم کنگره و احزاب مخالف به مدت ۹۰ روز تشکیل می‌شد، زمینه‌های لازم برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را فراهم می‌کرد. گام بعدی که در این توافقنامه برنامه‌ریزی شده بود به رئیس‌جمهور منتخب مردم به مدت دو سال فرصت می‌داد تا با ایجاد تغییر در ساختار سازمان‌های مدیریتی، امنیتی و نظامی و از بین بردن فساد و تبعیض‌های موجود و همچنین اصلاح قانون اساسی به رفع مشکلات عمومی جامعه پرداخته و سرانجام با برگزاری انتخابات آزادانه و دموکراتیک در سال ۱۳۹۳ به نوعی زمینه را برای انتقال مشروع قدرت مهیا سازد.

گفتنی است که به دنبال تشکیل دولت جدید و اعلام اسامی وزرا توسط منصور هادی، بیشتر شهرهای یمن شاهد تظاهرات ده‌ها هزار نفری در اعتراض به تشکیل دولت ائتلافی بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس بود. تظاهرات کنندگان در روز جمعه بعد از تشکیل دولت ائتلافی که آن را «جمعه یکپارچگی» نامیدند به طور گسترده وارد میداین اصلی شهرها و خیابان‌ها شدند. یکی از بندهای جنجالی طرح توافقی، مصونیت سیاسی

1. Al- tagheer.com/Friday,june 3,2011

عبدالله صالح و تعدادی از نزدیکان و شرکای سیاسی وی از هرگونه طرح دعوا نسبت به عملکرد او در طول بیش از سه دهه حکمرانی غیر دموکراتیک بر یمن بوده است. از این رو، «سید عبدالملک الحوثی»، رهبر جنبش انصارالله نیز طرح ابتکاری شورای همکاری خلیج فارس که در ریاض به امضاء رسیده بود را نپذیرفت و این طرح را خیانت به شهدا و انقلابیون دانست و به همین دلیل حضور در انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد. در کنار انصارالله، جنبش حراک جنوبی نیز در انتخابات شرکت نکرد. در انتخابات ۲ اسفند، «منصور هادی» تنها کاندیدای تصدی این پست بوده و در نبود هیچ‌گونه رقیب انتخاباتی و تحریم انتخابات از سوی دو جریان عمده انقلاب، وی توانست با ۹۹ درصد آراء به مقام ریاست جمهوری دست یابد.^۱

به دنبال تعیین رئیس‌جمهور جدید، جنبش انصارالله در طول برگزاری کنفرانس گفت‌وگوی ملی بهانه‌ای به دست دولت و بیگانگان نداده و چندین بار موافقت خود را برای شرکت در کنفرانس گفت‌وگوی ملی اعلام کرد. همچنین جنبش انصارالله در کمیته مقدماتی گفت‌وگوی ملی حضور فعال داشت و نظرات خود را ارائه می‌کرد. بعد از پایان جلسات کنفرانس گفت‌وگوی ملی و برگزاری جشن اختتامیه آن، «منصور هادی»، رئیس‌جمهور یمن در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۷ طی حکم شماره ۲ سال ۱۳۹۲ دستور ۴ ماده‌ای تشکیل کمیته تعیین اقلیم را صادر کرد.^۲ بر اساس آرای اکثریت اعضای این کمیته، توافق شده بود که یمن از طریق سیستم فدرالی و متشکل از شش اقلیم به صورت چهار اقلیم در شمال و دو اقلیم در جنوب اداره شود.^۳

این طرح با مخالفت جدی انصارالله نیز مواجه شد و این جنبش رأی کمیته تعیین اقلیم را خدمت به دولت عربستان و عامل گسترش نفوذ این کشور در امورات یمن برشمرد. به عقیده انصارالله یمن فدرالی این فرصت را به عربستان می‌دهد تا بتواند با استفاده از اختلافات موجود در بین قبایل و احزاب موجود در یمن و با ایجاد تفرقه بین آنها زمینه را برای تسلط و نفوذ همیشگی بر آنها فراهم کند. همچنین پس از پایان فعالیت کمیته تعیین اقلیم و اعلام تصمیم نهایی توسط این کمیته، منصور هادی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ طی

۱. جواد مددی، همان، ص ۱۳۰

2. Yemen-today.net/Thursday, February6,2014

3. <http://www.masaf.ir/View/Contents/947/>



حکم شماره ۲۷ سال ۱۳۹۲ دستور تشکیل کمیته تدوین قانون اساسی را صادر کرد^۱ که انصارالله در این کمیته نیز حضوری فعال و مبتکرانه داشت.

حضور فعال انصارالله در فعالیتهای تعیین شده طرح شورای همکاری برای دولت ائتلافی، برنامه‌ها و توطئه خارجی‌ها و عناصر داخلی وابسته در داخل یمن را برای مصادره انقلاب ناکام گذاشته بود. از دستاوردهای مهم انصارالله در این برهه می‌توان به همسو کردن قبایل شیعه متحد با حزب کنگره مردمی (حزب حاکم یمن) با خود اشاره کرد. بافت بدنه حزب حاکم یمن به‌گونه‌ای بود که قبایل زیدی مذهب بسیاری را در خود جا داده بود. این قبایل با مشاهده نفوذ و توسعه روزافزون جنبش انصارالله که نماینده شیعیان زیدی مذهب بوده، به این جنبش پیوستند. بدین ترتیب استان‌های یمن شمالی سابق که بیشتر مردم آن از شیعیان زیدی مذهب هستند به جنبش انصارالله پیوسته و این جنبش به یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جریان‌های انقلابی تبدیل شد.

2-1-2. جنگ عمران تا انقلاب جرعه، مرحله شکوفایی انصارالله

یکی از مهم‌ترین حوادث و رویدادها در سیر تحولات انقلابی یمن از سقوط عبدالله صالح در سال ۱۳۸۹ تا انقلاب جرعه در مهر ۱۳۹۳، جنگ میان نیروهای سلفی وابسته به حزب اصلاح و ارتشی‌های تحت فرماندهی سرلشکر محسن الاحمر و طرفداران جنبش انصارالله در استان عمران است. در این نبرد، سرانجام در تیر ماه ۱۳۹۳ با پیشروی نیروهای انصارالله به داخل شهر عمران و تصرف تیپ ۳۱۰ ارتش، استان عمران به‌طور کامل در اختیار آنها قرار گرفت.

این رخداد به‌نوعی انصارالله را در مقام قدرتی نوظهور مطرح کرد، اما در ادامه در تیر ماه ۱۳۹۳ اتفاقی رقم خورد که در نهایت و در کمال شگفتی، شالوده همه طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مخالفان داخلی و خارجی انقلاب، برای کنترل تحولات سیاسی یمن و خارج کردن انصارالله از بطن آن در طول نزدیک به دو سالی که از انقلاب سال ۱۳۸۹ می‌گذشت را به‌طور کلی ویران کرد. این اتفاق زمانی روی داد که دولت ائتلافی منصور هادی که با بحران اقتصادی و نبود منابع مالی مواجه بود تصمیم به کاهش هزینه‌های جاری دولت از طریق حذف یارانه سوخت گرفت. اجرایی شدن این تصمیم منجر به افزایش شدید قیمت سوخت و هزینه حمل‌ونقل کالا در یمن شده و در نتیجه اعتراضات به این تصمیم دولت آغاز شد.

1. Yemen-today.net/Saturday, March8,2014

بعد از اعتراض مردم و برخی شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی نسبت به افزایش قیمت سوخت، «سید عبدالملک بدرالدین الحوثی»، رهبر جنبش انصارالله در یک سخنرانی در روز ۱۳۹۳/۵/۱۲ که از شبکه تلویزیونی المسیره پخش می‌شد اعلام کرد افزایش قیمت سوخت در کشور به معنای سرخوردگی سیاسی بوده و در این اقدام دولت هیچ نشانه‌ای از انجام اصلاحات اقتصادی به چشم نمی‌خورد و با افزایش قیمت سوخت در کشور افراد با نفوذ و ثروتمند با مشکل مواجه نخواهند شد، بلکه ملت فقیر یمن تحت فشار مضاعف قرار خواهند گرفت.^۱

این سخنرانی پایتخت یمن را به عرصه تقابل حکومت و مردم که تحت حمایت انصارالله بودند، تقسیم کرد. اگرچه چند مرحله مذاکره میان طرفین انجام شد، اما در نهایت به آغاز درگیری در پایتخت میان نیروهای منصور هادی و انصارالله منجر شد؛ تا جایی که سرانجام نیروهای انقلابی طرفدار جنبش انصارالله به منظور فشار بر نخست‌وزیر و اعضای دولت برای کناره‌گیری در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۸ از میدان‌التغییر به سمت ساختمان نخست‌وزیری راهپیمایی کردند.^۲ مواجهه خشن نیروهای امنیتی پایتخت با تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم و تیراندازی به سمت آنها، موجبات کشیده شدن اعتراضات به سمت وسوی منازعه مسلحانه را فراهم کرد. بدین ترتیب پایتخت یمن به میدان جنگ و خونریزی تبدیل شد.

همزمان جنگنده‌های ارتش یمن مواضع حوثی‌ها در «الجوف» را بمباران کردند تا شاید پیشروی انقلابیون در صنعا را متوقف کنند. در حالی که سیاست تطمیع و سپس سرکوب انقلابیون نتوانسته معترضان را از خواسته‌های خود - مبنی بر تأکید مجدد آنها بر آرمان‌ها و آمال ملت یمن در انقلاب مارس ۲۰۱۱ - باز دارد، سرانجام در ۳۰ شهریور ۱۳۹۳ (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴)، «محمد عبدالسلام»، سخنگوی رسمی جنبش انصارالله، اعلام کرد که نیروهای این جنبش بر مقر فرماندهی کل نیروهای مسلح و ساختمان نخست‌وزیری و رادیو و تلویزیون در صنعا سیطره پیدا کرده‌اند. این رخداد همه معادلات را دگرگون کرده و به نوعی خط کلی تحولات آینده کشور یمن را تعیین کرد.

1. Alwasat-ye.net/Sunday, August 17, 2014

2. Yementoday.net/Tuesday, September 9, 2014



2-2. انصارالله و مواجهه با ورود ائتلاف متجاوز عربی به رهبری عربستان به یمن

تحولات انقلابی مردم یمن در سال ۱۳۹۳ به رهبری جنبش انصارالله و سرنگون کردن دولت ائتلافی شکل گرفته از طریق راه‌حل‌های غیر یمنی، یعنی پیشنهاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، موجی از نگرانی‌ها را در میان کشورهای عرب شورای همکاری و در رأس آن عربستان سعودی که همواره یمن را جزئی از حیاط خلوت چارچوب امنیتی خود به حساب می‌آورد، به وجود آورد. به دنبال کنترل صنعا از سوی انقلابیون و انصارالله، منصور هادی و نخست‌وزیر او استعفاء کردند.

در واقع، پس از استعفای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر یمن، صدور بیانیه ۱۵ ماده‌ای قانون اساسی جدید، توسط نیروهای انقلابی به رهبری انصارالله، می‌توانست نقطه عطفی در روند خروج یمن از بحران سیاسی پیش‌آمده باشد. در چنین شرایطی، «منصور هادی»، رئیس‌جمهور مستعفی یمن که از سوی کمیته‌های انقلابی برای جلوگیری از اقدامات توطئه‌آمیز علیه انقلاب، در منزل شخصی خود در صنعا تحت نظر بود، موفق به فرار از صنعا شد. منصور هادی، بلافاصله پس از رسیدن به عدن، در بیانیه‌ای با معرفی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن، در حالی که پیش از این تحت فشار عربستان استعفاء کرده بود، همه توافقات جنبش انصارالله با گروه‌های یمنی را باطل دانسته و اعلام کرد که به روند سیاسی بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس پایبند است. منصور هادی همچنین التزام خود به طرح فدرالی کردن یمن را نیز اعلام کرد که این موضع وی با واکنش شدید جنبش اعتراضی جنوب همراه شد؛ جنبشی که سعی دارد جنوب یمن را از شمال جدا کرده و حکومت مستقلی تشکیل دهد.^۱

با طرح ادعای تشکیل دولت موازی در عدن، برنامه‌ریزی برای سرنگون کردن دولت صنعا به محوریت انصارالله تشدید شده و جنبه عملیاتی به خود گرفت، اما بر خلاف انتظارات هادی و متحدان وی، این انصارالله بود که در پاسخ به توطئه‌های هادی حرکت به سمت کنترل عدن را در پیش گرفت. انصارالله ابتدا به سمت شهر تعز، سومین شهر بزرگ یمن، حرکت کرده و کنترل کامل این شهر و فرودگاه آن را در اختیار گرفته و توانست بر ساختمان‌های دولتی، نظامی و دادگستری شهر تعز تسلط یابد. نیروهای انصارالله پس از

1. Yemen: Ali Abdullah Saleh Leaves Behind Grim Legacy, Human Rights watch, 5 December 2017, Available at: <https://www.hrw.org/news/2017/12/05/yemen-ali-abdullah-saleh-leaves-behind-grim-legacy>

کنترل تعز، پیشروی خود را به سمت استان لحج در شمال استان عدن محل حضور عبد ربه منصور هادی آغاز کردند. آنها پس از تصرف این استان به طرف شهر عدن که کانون توطئه علیه انصارالله بوده و منصور هادی نیز در آنجا حضور داشت، حرکت کردند.^۱

گفتنی است پیشروی نیروهای ارتش، کمیته‌های مردمی و انصارالله با این تهدیدات متوقف نشده و سرانجام در روز ۵ فروردین توانستند کنترل عدن را نیز در اختیار گیرند. منصور هادی بار دیگر و این بار از عدن به خارج از یمن فرار کرد. کنترل انصارالله بر شهر جنوبی و راهبردی عدن به منزله پایان دوران انتقالی منصور هادی و شکست طرح ابتکاری سال ۱۳۸۹ شورای همکاری خلیج فارس بود. در ارتباط با شرکت‌کنندگان ابتدایی در این ائتلاف می‌توان به هشت کشور اردن، مصر، سودان، امارات متحده عربی، بحرین، مراکش، کویت و قطر اشاره کرد که مجموع جنگنده‌های هفت کشور امارات، اردن، کویت، بحرین، سودان و قطر با مشارکت عربستان سعودی در جدول زیر آمده است:

کشورها	عربستان سعودی	قطر	اردن	مصر	امارات متحده عربی	بحرین	کویت
میزان مشارکت (تعداد جنگنده)	100+150 هزار نظامی	30	10	6	15	15	3

گفتنی است که مصر با اختصاص چهار کشتی جنگی به حمایت دریایی از ائتلاف نظامی پرداخت. در مجموع طی سال‌های بعد از ۱۳۹۴ تا کنون کشور یمن درگیر یک جنگ داخلی بی نتیجه شده که همچنان ادامه دارد، اما نکته مهم در این مقطع شکست ائتلاف در جنگ با انصارالله و انقلابیون در صنعا است. همین روند تحولات کشور یمن را با نوعی بن‌بست بزرگ مواجه کرده است.

2. زمین‌گیر شدن ائتلاف به رهبری عربستان سعودی و پایان اولویت نظامی گری

عربستان در آغاز جنگ با یمن در مقایسه با سایر دولت‌های حاضر در ائتلاف، هم از انگیزه‌های بیشتر و مهم‌تری برخوردار بود و هم محوریت و استخوان‌بندی اصلی نیروهای موسوم به ائتلاف را تشکیل می‌داد. اما واقعیت این بود که اهداف واحد و مشترکی میان

ائتلاف عربی به رهبری ریاض وجود نداشت. اهداف متعارض کشورهای عضو ائتلاف و مسائل و بحران‌های داخلی که هر کدام از آنها با آن دست به گریبان بودند از همان ابتدا روند حرکت رو به جلوی ائتلاف را با بحران مواجه کرد.

در ادامه مسیر جنگ طلبی عربستان سعودی در خاک یمن می‌توان در سه حوزه اصلی مورد تمرکز آنها، تنها شکست و ناکامی‌شان را مورد بازخوانی قرار داد. طی شش سال گذشته از آغاز تهاجم نظامی عربستان به یمن در حوزه‌های سه‌گانه نظامی‌گری، محاصره اقتصادی و عملیات اطلاعاتی - امنیتی، جبهه متحد عربی متجاوز در کشور یمن شکست سنگینی را متحمل شده است.

در حوزه نظامی‌گری، عربستان در این جنگ مزدوران نظامی از سراسر جهان به‌ویژه سودان را به کار گرفته و میلیون‌ها دلار صرف خرید تسلیحات از آمریکا و اروپا کرده و با کمک تسلیحات یادشده مردم بی‌دفاع یمن را در خانه‌ها، مزارع‌ها، مدارس، بازارها و مراسم عزا و عروسی به خاک و خون کشید و حتی قبرستان‌ها نیز از حملات جنگنده‌های عربستان سعودی در امان نماند. انواع جنگنده‌ها و بالگردهای مدرن عربستان سعودی یکی پس از دیگری توسط سامانه پدافند هوایی یمن سرنگون شدند. همچنین نیروهای مردمی یمن پس از مسلح شدن به پهپادهای نظامی، دومین مرحله از سیاست بازدارنده خود را آغاز کرده و طی آن در اواخر اردیبهشت سال جاری تأسیسات نفتی شهر «ینبع» در جنوب غرب عربستان در ساحل دریای سرخ در فاصله چند صد کیلومتری یمن و در ۲۶ مرداد سال ۱۳۹۸ با ۱۰ پهپاد میدان و پالایشگاه نفتی «الشیبه» شرکت ملی نفت عربستان (آرامکو) و در نهایت با ۱۰ پهپاد میدان‌های نفتی «بقیق» و «خریص» و پالایشگاه‌های آرامکو در استان «الشرقیه» عربستان را هدف قرار دادند.¹

در حوزه محاصره اقتصادی، نیز تلاش‌های ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به‌طور کامل با شکست و ناکامی فراگیر همراه شد. رژیم سعودی در این جبهه نیز نتوانست ملت مقاوم و استوار یمن را به زانو در آورد و در نتیجه طرح سلطه‌جویانه عربستان سعودی علیه یمن هیچ‌گاه تحقق نیافت. این تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی تا کنون جز کشته و زخمی شدن صدها

1. Omar Ahmed, After 5 years, Saudi Arabia is finally on the verge of defeat in Yemen, middle east monitor, 26 Mar 2020, Available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20200326-after-5-years-saudi-arabia-is-finally-on-the-verge-of-defeat-in-yemen/>

هزار یمنی و همچنین آواره شدن میلیون ها تن از شهروندان محروم و ویرانی زیرساخت ها و انتشار قحطی و گرسنگی و بیماری های واگیردار در این کشور، نتیجه ای به همراه نداشته است. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نیز اعلام کرد که از سال ۱۳۹۷ تا کنون بیش از یک میلیون مورد مشکوک مبتلا به بیماری و با در یمن گزارش شده است.^۱

در حوزه عملیات اطلاعاتی - امنیتی، همانند دو سطح گذشته ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با شکست مواجه شد. حاکمان سعودی از نظر امنیتی نیز جبهه داخلی یمن را هدف قرار داده و برای ایجاد فتنه و آشوب و پی بردن به مراکز ارتش و کمیته‌های مردمی و مسائلی از این قبیل باندها و هسته‌های پنهان بسیاری را به کار گرفت. کودتای دو سال پیش «علی عبدالله صالح» علیه جبهه داخلی و پیوستن وی به ائتلاف متجاوز را می‌توان برجسته‌ترین اقدام امنیتی رژیم سعودی علیه یمن برشمرد. وی سعی داشت صنعا و استان‌های یمن را به آشوب بکشاند و با نیروهای امنیتی یمن به جنگ پردازد، اما این توطئه با همبستگی اقشار مختلف مردم و بیداری و آگاهی نهادهای امنیتی شکست خورده و مردم یمن در دام فتنه عربستان سعودی گرفتار نشدند. فصل جدید زنجیره تجاوز خط سعودی - آمریکایی علیه یمن در دو سال گذشته کشف شده و نهادهای امنیتی یمن اعلام کردند که طرح خطرناک سازمان‌یافته توسط دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای متجاوز را خنثی کردند. این طرح قصد داشت جبهه داخلی را هدف قرار داده و امنیت و آرامش عمومی در یمن را برهم زده و در این کشور آشوب به پا کند.

در مجموع، زمین‌گیر شدن عربستان در هر سه محور مورد تأکید خود در عرصه جنگ علیه انصارالله و ملت یمن، جنگ در این کشور را به کلافی سردرگم تبدیل کرده که تا کنون چشم‌اندازی روشن برای پایان دادن به آن وجود ندارد. در چنین شرایطی چگونگی به‌کارگیری ابزارها و راهبردهای مناسب برای انصارالله به‌منظور پیروزی در عرصه معادلات میدانی کشور یمن اهمیت می‌یابد.

3. راهبردهای پیشنهادی برای انصارالله برای پیروزی در جنگ

با توجه به کلیت نوشتار حاضر که طی آن روند تحولات بحران یمن و نوع ایفای نقش

1. Declan Walsh, The Tragedy Of Saudi Arabia's War, The New York Times, 26 Oct 26 2018, Available At: <https://www.nytimes.com/interactive/2018/10/26/world/middleeast/saudi-arabia-war-yemen.html>

انصارالله و برآیند جنگ شش ساله عربستان سعودی علیه یمن بررسی شد، اکنون ضرورت دارد به بررسی و ارائه گزینه‌های پیش روی جنبش انصارالله یمن در روند پیروزی در جنگ پرداخته شود. در این راستا، چندین گزینه در قالب راهبردهای پیشنهادی ارائه شده است.

1-3. راهبرد آینده رو به عقب؛ آینده رو به جلو در قالب تداوم تهاجم‌های بازدارنده

آینده رو به عقب، یعنی درس گرفتن از گذشته و آموختن از تجربیاتی که حاصل سال‌ها تجربه بشری است و آینده رو به جلو به معنای فهم آینده یا طرح آینده‌های باورپذیر با توجه به روال کنونی می‌باشد. با توجه به این دو وضعیت، ضروری است که انصارالله یمن در روند بحران این کشور و تحولات مربوط به جنگ با عربستان با مروری بر روند جنگ یمن از آغاز تا کنون از هرگونه ورود به گفت‌وگو یا توافق بدون ضمانت اجرایی خودداری کند، زیرا عربستان و متحدان آن به علاوه کشورهای غربی نشان داده‌اند که در خصومت و دشمنی با انصارالله هیچ‌گونه محدودیت و شرمی به خود راه نمی‌دهند.

آن‌گونه که منابع یمنی تأکید دارند، طی پنج تا شش سال گذشته بیش از ۲۵۷،۰۰۰ حمله هوایی ائتلاف علیه مردم یمن و نظامیان این کشور از سوی ائتلاف متجاوز به رهبری عربستان سعودی انجام شده است. طی این مدت آثار مخرب جنگ جان بیش از ۱۱۲،۰۰۰ نفر را گرفته و بدترین بحران بشردوستانه جهان را به وجود آورده است. در چنین شرایطی درس گرفتن از گذشته نشان می‌دهد هرگاه در برابر عربستان سعودی با زبان صلح و مذاکره سخن گفته شده، آنها در اراده خود برای کنترل صنعا و پایان دادن به توان و نقش انصارالله مصمم‌تر می‌شوند؛ در مقابل، هرگاه به آنها پاسخ متقابل داده شد، تصمیم به عقب‌نشینی گرفته‌اند.

زمانی این مسأله قابل توجه است که در گذشته انصارالله با بیش از ۱۰۰۰ موشک بالستیک دو کشور عربستان سعودی و امارات را هدف قرار داده است؛ همین روند، از یکسو ائتلاف به رهبری عربستان سعودی را متلاشی کرده و از سوی دیگر، از اراده آنها برای تداوم خون‌ریزی و حملات کاسته است. بنابراین، عنوان راهبرد تجربی و اثبات‌شده را می‌توان تداوم تهاجم‌های بازدارنده ارزیابی کرد. با این اوصاف، مهم‌ترین پیشران‌های این سناریو عبارتند از: توان قابل توجه موشکی انصارالله به مدت چند سال متمادی، آسیب‌پذیر بودن سیستم دفاع موشکی عربستان، در دسترس بودن نابودی اقتصاد عربستان از طریق حمله مجدد به تأسیسات نفتی و تأثیر مثبت تهاجم‌های موشکی در کاهش فشار و حملات ائتلاف متحد عربی.



با این وجود، می‌توان برای این راهبرد که به‌عنوان راهبردی برای پیروزی انصارالله در جنگ علیه عربستان پیشنهاد شده، به برخی عوامل پسران نیز اشاره کرد که عبارتند از: تضعیف وجهه بین‌المللی انصارالله، امکان ورود ناگهانی آمریکا به معادله نظامی و فرسایشی شدن هرچه بیشتر جنگ در یمن.

2-3. راهبرد تقویت توان رسانه‌ای و تلاش برای ایجاد شبکه خبری منطقه‌ای

یکی دیگر از مهم‌ترین گزینه‌های انصارالله برای پیروزی در جنگ با عربستان در صحنه معادلات نظامی کشور یمن، شناسایی حوزه قدرت جبهه متحد عربی در حوزه رسانه‌ای و نشان دادن واکنش متقابل در همین حوزه است. در واقع، یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌گرفته حول تهاجم نظامی به یمن، هجوم همزمان و مشابه رسانه‌های عمده منطقه‌ای و بین‌المللی بر ضد حرکت انقلابیون یمنی و نیروهای انصارالله برای مخدوش کردن و اقناع افکار عمومی امت اسلامی و سایر ملت‌های جهان، برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به تهاجم نظامی صورت‌گرفته و اقدامات جنایت‌بار پس از آن بوده است.

رسانه‌های همسو با عربستان سعودی در چارچوب جنگ روانی رسانه‌ای و در هم-راستایی با حمله‌های این رژیم در هفته اول شروع جنگ، به دنبال صحنه‌سازی و القای مواردی برآمدند تا به توجیه‌کشتار و ویرانی صورت‌گرفته این کشور در یمن پردازند. در این جنگ رسانه‌های همسو با عربستان به‌ویژه الاخباریه و العربیه تلاش کردند تا حمایت کامل خود را از حمله عربستان سعودی با قاطعیت و حق به‌جانب معرفی کنند.^۱

در مقطع کنونی که حجم زیادی از فشار روانی و نظامی تهاجمات نظامی عربستان سعودی کاسته شده، به نظر می‌رسد اکنون زمان مناسبی برای راه‌اندازی یک رسانه حرفه‌ای از سوی یمنی‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی منطقه فرا رسیده است. هرچند این امر دشوار به نظر می‌رسد، اما امکانات آن موجود است تا از این طریق بتوانند حقانیت خود و واقعیات موجود را به جامعه جهانی عرضه کنند. با این اوصاف، مهم‌ترین عوامل پیشران این راهبرد را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: نیاز ضروری به رسانه حرفه‌ای برای بازتاب مواضع و حقانیت انصارالله، وجود سابقه حکمرانی و مدیریت در میان شیعیان الحوثی،

۱. هادی البرزی و علی اصغر سلیمانیان، تحلیل محتوای کیفی اخبار رسانه‌های همسو با عربستان درباره حمله این کشور به یمن، مدیریت رسانه، شماره ۱۹، خرداد ۱۳۹۵، ص ۲۶



وجود سطحی عمیق از افکار و عقاید حق طلبانه در میان شیعیان یمن. با وجود این عوامل پیشران، می توان به عوامل پس ران نیز اشاره کرد: ضعف مالی نیروهای انصارالله برای تأمین هزینه یک شبکه رسانه ای بزرگ، نبود زیرساخت های ارتباطی لازم در کشور یمن و نابرابری در امکانات و لوازم در قیاس با رسانه های بزرگ عربستان سعودی.

3-3. تنش زدایی هوشمندانه و نرمش در سطح دیپلماسی فرهنگی

فهم این واقعیت برای جنبش انصارالله یمن ضروری است که محاصره اقتصادی عربستان و جنایات این رژیم در حق مردم مظلوم یمن در مقطع کنونی، نه وابسته و محدود به یک دوره خاص بوده و نه با توافق فعلی یا بدون هیچ توافقی پایان خواهد یافت، زیرا مرزهای تنش و دشمنی میان دو طرف، عمیق تر از آن است که بتوان از دنیایی صلح آمیز و بدون منازعه میان صنعا و ریاض پس از حصول یک توافق خیر داد. از این رو، در شرایط آینده به منظور پیروزی انصارالله در میدان جنگ با عربستان ضروری است که توجه خاصی به دیپلماسی فرهنگی یا دیپلماسی عمومی از سوی رهبران این جنبش صورت گیرد.

در همین راستا، در میانه تداوم جنگ با رژیم عربستان سعودی به نظر می رسد که ضروری است انصارالله یمن در سه سطح دیپلماسی عمومی هوشمندانه را در پیش گیرد. در سطح ابتدایی، ضرورت دارد که انصارالله با گروه های داخلی یمن با وجود نزدیکی آنها به عربستان سطحی از مناسبات و گفت و گوی درون یمنی را آغاز کند تا از این طریق حسن نیت خود را نشان داده و راهبرد تفرقه افکنانه عربستان را بیش از پیش تقویت کند.

در سطح میانی، لازم است که انصارالله نگاهی جدی به توسعه مناسبات و روابط با کشورهای عرب منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا داشته باشد. در واقع، اعزام نمایندگان برای مذاکره و آغاز سطحی از گفت و گوهای دو جانبه و حتی چندجانبه با کشورهای منطقه نقشی مهم در زدودن تبلیغات عربستان دارد؛ به ویژه زمانی این مسأله جدی تر به نظر می رسد که بسیاری از کشورهای عربی حاضر در جبهه تحت رهبری عربستان سعودی به طور رسمی و غیر رسمی از تداوم حضور در جنگ یمن انصراف داده اند. در این میان می توان به کشورهایمانند قطر و امارات متحده عربی اشاره کرد.

در سطحی کلان تر، انصارالله در میانه تبلیغات رسانه ای فراگیر عربستان، می تواند نیم نگاهی به برقراری مناسبات بین المللی نیز داشته باشد. پس از پنج سال جنگ نابرابر و ظالمانه عربستان

سعودی، اکنون بیش از هر زمان دیگری مسیر ارتباط‌گیری انصارالله با جامعه جهانی مهیا شده است. در این میان، انصارالله با نزدیکی به قدرت‌های شرقی به‌ویژه چین و روسیه می‌تواند نقشی بزرگ را در تغییر معادلات میدانی جنگ ایفا کند. با وجود تمامی تفاسیر در مسیر اجرای این راهبرد، یکسری عوامل پیشران را می‌توان برشمرد: فرسایشی شدن جنگ و معرفی شدن انصارالله به جامعه جهانی در مقام یک قدرت، گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری از جنایات عربستان سعودی در یمن، اختلاف نظر شدید برخی کشورهای عرب منطقه با عربستان، رویگردانی جامعه جهانی از حمایت عربستان.

با وجود این عوامل پیشران می‌توان به زمینه‌های پسران نیز اشاره کرد که عبارتند از: قدرت دلارهای نفتی عربستان سعودی برای اقناع دیگر بازیگران در عدم برقراری ارتباط با انصارالله، محدودیت مالی شدید انصارالله بری آغاز به‌کارگیری دیپلماسی عمومی فراگیر، کمبود تجربه سیاسی سران انصارالله و تأثیرگذاری عمیق تبلیغاتی عربستان سعودی علیه شیعیان الحوثی در افکار عمومی جهانی.

3-4. راهبرد پیروزی در میدان سیاست در شمال یمن به‌عنوان مقدمه پیروزی در میدان جنگ

یکی دیگر از راهبردهای مهم را می‌توان در قالب طرح پیروزی و تثبیت قدرت انصارالله در شمال یمن به‌عنوان کلی پیروزی در میدان نظامی و آینده معادلات سیاسی این کشور مورد ارزیابی قرار داد. در واقع، در طرح این راهبرد مدلی شبیه به حزب‌الله لبنان مورد نظر است که دلیل طرح آن را می‌توان در دو علت مهم خلاصه کرد: نخست این که با توجه به قدرت بسیج عمومی حوثی‌ها، هیچ دولتی اعم از دولت یمن یا بازیگران خارجی نمی‌توانند نقش و جایگاه برجسته حوثی‌ها در ساخت سیاسی یمن را انکار کنند. دلیل دوم این که حوثی‌های یمن با توجه به ساخت سیاسی و جمعیتی این کشور در صدد نیستند که قدرت را به‌طور کامل در اختیار گیرند، زیرا اساساً چنین امری ممکن نبوده و نخواهد بود.

در واقع، هدف اصلی این است که از یکسو، در شمال یمن همچنان انصارالله در مقام یکی از دو شریک اصلی قدرت باقی بماند و از سوی دیگر، در آینده مذاکرات جامع برای تعیین تکلیف دولت یمن، راهبرد تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت همه گروه‌های سیاسی را در پیش گیرد. در واقع، با توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت و فشارهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های احتمال بازگشت منصور هادی به جایگاه ریاست جمهوری یمن نیز وجود

دارد. میانجی‌گری بازیگر سومی که می‌تواند سازمان ملل متحد یا یک کشور بی‌طرف باشد نیز در تحقق این سناریو - که به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مؤثرترین سناریو برای حل بحران یمن باشد - کارساز خواهد بود.

به نظر می‌رسد جنبش انصارالله با توجه به محدودیت‌هایی که در فرآیند دولت‌سازی پیش رو دارد، در قالب مدل حزب‌الله لبنان مبتنی بر مشارکت در دولت‌سازی و حفظ ماهیت جنبشی خود، می‌تواند نقش کلیدی را در آینده تحولات کشور یمن ایفا کند. واقعیت امر این است که در صورت تحقق پیروزی و تثبیت قدرت در میدان مذاکرات سیاسی، به‌طور حتم می‌توان از پیروزی در جنگ نیز سخن به میان آورد، زیرا ورود به جنگ فرسایشی و بدون نتیجه و دستاورد در میدان معادلات سیاسی، عملاً نوعی ایستادن در وضعیت سکون است که در بلندمدت نمی‌تواند نتیجه‌ای در بر داشته باشد. می‌توان گفت که مقدمه پیروزی در معادلات میدانی یمن برای انصارالله، تثبیت قدرت در مذاکرات سیاسی است.

3-5. راهبرد آشتی ملی در یمن

هر چند در مقطع کنونی، به‌واسطه بیش از حدود یک دهه جنگ داخلی و بحران در یمن، سطحی وسیع از تنش میان جریان‌های سیاسی و هویت‌های مختلف مذهبی در این کشور به اوج رسیده و بازیگران تا کنون نتوانسته‌اند به توافقی برای تنش‌زدایی و تعیین آینده معادلات دست یابند، اما رویکرد راهبردی و بلندمدت به تحولات نشان می‌دهد که به‌طور قطع یکی از گزینه‌های مهم برای انصارالله در پیش گرفتن راهبرد «آشتی ملی» است.

بر کسی پوشیده نیست که گروه‌های سیاسی اهل سنت در عدن به‌شدت تحت تأثیر و نفوذ عربستان سعودی، امارات، آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارند، اما باید توجه داشت که این بازیگران دیر یا زود از عرصه معادلات خارج خواهند شد و در چنین شرایطی این بازیگران داخلی هستند که باید به توافقی برای اداره امور آینده کشور یمن دست یابند. بنابراین، انصارالله باید در یک بازه زمانی بلندمدت یعنی طی ۱۰ سال آینده برنامه‌ای را برای پیش بردن و نزدیکی به جریان‌های سیاسی داخلی یمن تدوین کند.

این یک واقعیت قابل توجه است که انصارالله در صورت تحقق هر سناریویی چه تقسیم شدن یمن به دو کشور شمالی و جنوبی و چه ایجاد نظام فدرالی یا حتی ایجاد دولت مرکزی یکپارچه در قالب حکومت اشتراکی با حضور همه گروه‌ها، چاره‌ای جز همزیستی با

گروه‌های داخلی یمن ندارد. انصارالله در آینده معادلات سیاسی کشور یمن یا شریک در قدرت خواهد بود یا یک همسایه برای دیگر بازیگران. بنابراین، از هم‌اکنون این راهبرد ضروری به نظر می‌رسد که نشانه‌های روند «آشتی ملی» برای دیگر جریان‌ها ارسال شود. این راهبرد در بلندمدت می‌تواند زمینه‌ساز تحمیل شکست بر عربستان سعودی بوده و نیروهای داخلی یمن را به سمت دور شدن از ریاض سوق دهد. با وجود همه این تفاسیر در مسیر اجرای این راهبرد یکسری عوامل پیشران را می‌توان مورد اشاره قرار داد: انطباق طرح «آشتی ملی» با واقعیات میدانی و ضرورت‌های سیاسی، اراده قاطع انصارالله برای گفت‌وگوی «یمنی - یمنی»، فروماندگی و درماندگی گروه‌های مختلف داخلی مخالف انصارالله در حوزه نظامی و امنیتی، شکست راهبرد جنگ طلبانه عربستان سعودی در عرصه معادلات میدانی.

در کنار این عوامل پیشران می‌توان به چند عامل پسران نیز اشاره کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مخالفت عربستان سعودی با نزدیکی گروه‌های داخلی یمن به یکدیگر، مخالفت رژیم صهیونیستی و آمریکا با طرح «آشتی ملی» یمنی و انشقاق و تشتت بزرگ ذهنی و سیاسی گروه‌های سیاسی یمنی.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر از ابتدا در پی پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی بود که انصارالله برای پیروزی در جنگ یمن چه امکانات و ابزارهایی در اختیار دارد یا می‌تواند از چه ابزارها و امکاناتی استفاده کند؟ در واقع، عربستان سعودی زمانی که در اوایل فروردین ۱۳۹۴ جنگ علیه انصارالله و انقلابیون صنعا را اعلام کرد، انتظار داشت تنها در به مدت یک هفته به جنگ پایان داده و انصارالله را برای همیشه از عرصه معادلات حذف کند. اما نه تنها این سناریو عملی نشد، بلکه با گذشت بیش از پنج سال از آغاز این جنگ، روند قدرتیابی انقلابیون صنعا رو به افزایش است.

آنچه مسلم است اینکه با وجود شکست راهبرد عربستان در اشغال کشور یمن و شکست نیروهای انصارالله، جنگ در این کشور به حالت فرسایشی در آمده و روند معادلات در وضعیتی از تعلیق قرار گرفته است. ممکن است این روند در کوتاه‌مدت ادامه یابد، اما در بلندمدت بدون تردید پایان یافته و در این شرایط ضرورت اتخاذ راهبرد مناسب برای انصارالله اهمیتی دوچندان



می‌یابد. در همین راستا، در مقام یافته‌های پژوهش می‌توان به گزینه یا راهبردهای زیر به‌عنوان ضمانت‌های پیروزی انصارالله در جنگ با عربستان اشاره کرد:

✓ گزینه عملی و در دسترس انصارالله یمن برای پیروزی در جنگ تداوم راهبرد تهاجم فعال به‌منظور بازدارندگی عربستان سعودی است. تجربیات چند سال اخیر نشان داده که حاکمان عربستان در صورت وارد شدن انصارالله و انقلابیون به فاز تدافعی، نه تنها در صدد دوستی و حل بحران بر نیامده، بلکه دامنه حملات را نیز گسترش داده‌اند؛ در حالی که هر زمان مورد حمله قرار گرفته‌اند، به دلیل آسیب‌پذیر بودن مواضع خود روند سیاست تهاجمی را کاهش داده‌اند.

✓ یکی دیگر از گزینه‌هایی که انصارالله در میانه جنگ یمن با نیروهای متجاوز و مزدور عربستان سعودی می‌تواند در پیش گیرد، تلاش برای خنثی‌سازی نقطه قوت آنها در عرصه معادلات میدانی، یعنی بهره‌گیری از تبلیغات رسانه‌ای وسیع است. هرچند با توجه به محدودیت‌های مالی و امکانات نیروهای انقلابی ایجاد یک رسانه بزرگ برای مقابله با رسانه‌ای همچون العربیه بسیار دشوار بوده، اما در حالت حداقلی آغاز جنگ سایبری با عربستان در جهان عرب امری در دسترس بوده و می‌تواند نقشی مهم در کاهش تأثیرگذاری تبلیغات عربستان سعودی داشته باشد.

✓ همچنین وضعیت انصارالله را نمی‌توان در مقام وضعیتی ساکن و ایستا مورد ارزیابی قرار دارد. واقعیت امر این است که انصارالله برای غلبه بر تهاجمات عربستان سعودی در وضعیت کنونی و آینده نیازمند در پیش گرفتن نوعی دیپلماسی عمومی فعال در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این مسیر، اکنون زمینه بیش از هر زمان دیگری فراهم شده است، زیرا از یکسو انصارالله در مقام یک بازیگر قدرتمند و دارای پرستیژ در عرصه جهانی خود را معرفی کرده و از سوی دیگر، نوعی ضدیت و مخالفت منطقه‌ای و بین‌المللی با جنگ متجاوزانه عربستان سعودی در میدان نبرد یمن در سطح جهانی اتفاق افتاده است.

✓ در مقام راهبرد بلندمدت یعنی برای وضعیت ۱۰ سال آینده نیز سناریوی «آشتی ملی» می‌تواند در دستورکار انصارالله قرار گیرد. تحت هر شرایطی یعنی در صورت ایجاد دو دولت مستقل، فدرالیسم یا بازگشت به ایجاد دولت یکپارچه، انصارالله به ناچار با گروه‌های سیاسی یمنی مواجه خواهد بود. از این رو، ضروری است تا برای شکست راهبرد مداخله نظامی عربستان در یمن، به تدریج راهبرد برقراری آشتی ملی به دیگر جریان‌های سیاسی حاضر در عدن پیشنهاد شده و زمینه‌های آن نیز فراهم شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدیان، حسن، خیزش مردم یمن و گذار از رژیم اقتدارگرا، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
- احمدیان، حسن، عربستان سعودی و قیام ملت‌های عرب؛ رویکردها و چالش‌ها، فصلنامه روابط خارجی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۹۵.
- البرزی، هادی و علی اصغر سلیمانین، تحلیل محتوای کیفی اخبار رسانه‌های همسوبا عربستان درباره حمله این کشور به یمن، فصلنامه مدیریت رسانه، شماره ۱۹، خرداد ۱۳۹۵.
- مددی، جواد، نظام فدرالیسم در یمن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۲.
- آمریکا در تجاوز سعودی‌ها علیه یمن نقش اساسی دارد، خبرگزاری مهر، ۱۳ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <http://www.irdc.ir/fa/content/60289/default.aspx>
- در یمن چه می‌گذرد؟/ چگونگی فرار «منصور هادی» تا تحرکات جدید علیه انصارالله، باشگاه خبرنگاران جوان، ۴ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در: <http://www.yjc.ir/fa/news/5140921>

منابع عربی

- الیمن ثوره الشعب - إعداد، مرکز الجزیره العربیه للدراسات و البحوث.
- الامم المتحده: ضحايا العدوان السعودی علی الیمن يتجاوز ۲۳ ألف شخص (۲۰۱۵/۰۷/۲۸)، الواسط: <https://alwasat-ye.net/index.php?ac=3&no=43352>

منابع انگلیسی

- Ahmed, Omar, After 5 Years, Saudi Arabia Is Finally On The Verge Of Defeat In Yemen, Middle East Monitor, 26 Mar 2020, Available At: <https://www.Middleeastmonitor.Com/20200326-After-5-Years-Saudi-Arabia-Is-Finally-On-The-Verge-Of-Defeat-In-Yemen>.
- Al- tagheer.com/Friday,june 3,2011.
- Browning, Noah, Aboudi, Sami, Former President Saleh Dead After Switching Sides In Yemen's Civil War, 4 December 2017, Available At: <https://uk.Reuters.Com/Article/Uk-Yemen-Security/Former-President-Saleh-Dead-After-Switching-Sides-In-Yemens-Civil-War-Idukkbn1dy135>.
- Edroos, Faisal, Yemen: Who Was Ali Abdullah Saleh?, 5 Dec 2017, Available At: <https://www.Aljazeera.Com/InDepth/Spotlight/Yemen/2011/02/201122812118938648.Html>.
- Shane, Scott, Ali Abdullah Saleh, Strongman Who Helped Unite Yemen, And Divide It, Dies At 75, The New York Times, 4 Dec 2017, Available At:

<https://www.nytimes.com/2017/12/04/obituaries/ali-saleh-dead.html>.

- Walsh, Declan, The Tragedy Of Saudi Arabia's War, The New York Times, 26 Oct 26 2018, Available At: <https://www.nytimes.com/interactive/2018/10/26/world/middleeast/saudi-arabia-war-yemen.html>.
- Yemen President Ali Abdullah Saleh Defiant Over Exi, Bbc, 24 April 2011, Available At: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-13181324>.
- Yemen: Ali Abdullah Saleh Leaves Behind Grim Legacy, Human Rights Watch, 5 December 2017, Available At: <https://www.hrw.org/news/2017/12/05/yemen-ali-abdullah-saleh-leaves-behind-grim-legacy>.
- Yementoday.net/Tuesday, September 9, 2014.

